

مدل اسلامی اخلاق تولید

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

محمد جداری عالی*

چکیده

این مقاله بر آن است مدل اخلاقی تولید مورد نظر اسلام را در ارتباط با دیگر آموزه‌ها و از منابع اصیل اسلام یعنی قرآن کریم، سنت و عقل کشف و ارائه کند. تحقیق پیش رو که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، نشان می‌دهد اصول و قواعدی چون توکل، صداقت‌پیشگی، عدالت‌پیشگی، لزوم صبر و بردباری، اعمال تدبیر و برنامه، ضرورت اعتدال، با معیار اصلی نیاز واقعی و مبتنی بر یک سری مبانی فکری - فلسفی و اخلاقی مانند توحید برای مبنای خداشناختی، هدفمندی، نظام احسن به عنوان مبانی جهان‌شناختی، اصالت و تکاملی بودن روح، نیازمندی، هدفمندی، آخرت‌باوری و مسئولیت‌پذیری برای مبانی انسان‌شناختی و سرانجام خوددوستی به عنوان مبنای اخلاقی و تئوری هنجاری، به صورت هماهنگ، زندگی خوب و گوارایی با ویژگی‌های عدالت اجتماعی، امنیت و رشد و پیشرفت همه‌جانبه را برای دنیای انسان فراهم می‌کنند. بر این اساس انسان اخلاقی می‌تواند ضمن بهره‌مندی کامل و بهینه از منابع طبیعی و موهبت‌های الهی در مسیر تولید نیازهای واقعی خود و جامعه ضمن ارتقای روحی و معنوی بالا و فراهم‌ساختن یک زندگی توحیدی، از لحاظ اجتماعی نیز دستیابی به جامعه پیشرفته را به ارمغان آورد.

واژگان کلیدی: مدل، اخلاق تولید، مبانی، اصول و قواعد اخلاقی تولید.

طبقه‌بندی JEL: E23، E29، Z12

مقدمه

مدل (Model) در اصطلاح می‌تواند دارای دو نوع کارکرد توضیحی متفاوتی باشد. از یک سو یک مدل می‌تواند توضیحی از یک بخش انتخاب‌شده از جهان باشد (سیستم هدف). این‌گونه مدل‌ها، بسته به طبیعت هدف، یا مدل‌های پدیده‌ها هستند و یا مدل‌های داده‌ها. از سوی دیگر یک مدل می‌تواند یک تئوری را توضیح دهد از این جهت که قوانین و اصول موضوعه آن را تفسیر نماید (see: N. Zalta, 2004).

۳۸

در ادبیات علمی متعارف مدل‌های داده‌ها و پدیده‌ها برای توصیف و تبیین پدیده‌ها یا داده‌های مربوط به واقع خارجی به کار می‌روند. بدیهی است این مفهوم از مدل نمی‌تواند در مدل اخلاق تولید اسلامی مقصود باشد؛ زیرا مدل مورد نظر برای توصیف و تبیین وضع موجود در رفتارهای تولیدی نیست. همچنین از تعریف مدل تئوری در ادبیات متعارف نیز درمی‌یابیم که مدل یک ساختار فیزیکی، ریاضی یا منطقی برای توضیح و تفسیر یک تئوری است و این مفهوم تناسب بیشتری با معنای مورد نظر ما از مدل تئوری دارد؛ زیرا ما نیز در صدد تبیین یک تئوری هستیم؛ به این معنا که تئوری اسلامی اخلاق تولید به تبیین یک واقعیت یا پدیده یا سیستم خارجی نمی‌پردازد، بلکه به تبیین یک ساختار منطقی از اجزای اصلی تئوری اسلامی از اخلاق تولید از قبیل مبانی، اهداف، معیار و اصول و قواعد رفتار تولیدی بر اساس اخلاق و آموزه‌های اسلامی می‌پردازد و اینکه ارتباط منطقی عناصر درون این اجزا با هم و نیز با سایر اجزای مدل چطور است و چگونه از همدیگر استنباط و استنتاج می‌شوند و همدیگر را توجیه می‌کنند.

از سوی دیگر و با رویکرد متفاوت مدل‌ها بر اساس کارکردشان به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

مدل‌های شناختی: کار چنین مدلی معرفی یک سیستم به‌گونه‌ای است که خصوصیت‌های مورد نظر سیستم را با کنارگذاشتن خصوصیت‌هایی که مهم نیستند به‌وضوح نشان می‌دهد.

مدل‌های پیش‌بینی‌کننده: این مدل‌ها بر اساس شناختی که از یک سیستم در موقعیت مشخص وجود دارد رفتار آتی سیستم مزبور را در موقعیت‌های جدید پیش‌بینی می‌کنند.

مدل‌های تصمیم‌گیری: عمل این مدل‌ها تهیه اطلاعات برای تصمیم‌گیرنده است و امکان اخذ تصمیمات مطلوب در جهت دستیابی به اهداف از قبل تعیین‌شده را فراهم می‌کنند.

مدل‌های هنجاری: عمل این مدل‌ها ارائه تصویری تا حد امکان دقیق از سیستمی است که باید ایجاد شود (رک به: دوران، ۱۳۷۶، ص ۶۷-۶۸).

منظور از مدل اسلامی اخلاق تولید، مدل تئوریک با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح تئوری اسلامی اخلاق تولید می‌پردازد و روابط نظام‌مند عناصر نظری و عملی (مبادی نظری و اصول اخلاقی) در یک نظام اخلاقی تولید را در جهت رسیدن به اهداف توضیح می‌دهد.

بر این اساس ابتدا مهم‌ترین عناصر دخیل در مدل اخلاقی تولید طی این مقاله استخراج و بررسی می‌شود. جهت استخراج مدل مورد نظر اخلاق تولید باید دو کار اساسی دیگر صورت پذیرد. یکی اینکه روابط میان عناصر درون‌بخشی و همچنین روابط هر بخش با مجموعه عناصر دیگر مطالعه شود و ثابت شود که همه آنها باهم سازگارند و کار دوم این است که ثابت شود تمامی عناصر در راستای هدف نهایی و اهداف میانی اخلاق تولید هستند.

پیشینه

در ارتباط با مباحث اخلاق تولید چندین تحقیق به شرح زیر انجام گرفته:

ایروانی (۱۳۹۰) در بخش دوم کتاب اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث به اخلاق تولید پرداخته است. در این نوشتار به برخی اصول اخلاقی تولید اشاره شده و سرفصل‌های لازم فراوانی مغفول مانده است.

معیادفر (۱۳۸۰) در کتاب بررسی اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن اولاً فقط به اخلاق کار که یکی از عوامل تولید است پرداخته است؛ ثانیاً مباحث آن، بیشتر رویکرد جامعه‌شناختی مصطلح دارد و از جهت‌گیری‌های دینی و اسلامی تهی است. ضمن اینکه هیچ‌گونه نگاه مدلی در آن دیده نمی‌شود.

موسایی (۱۳۸۳) در مقاله «اصول کلی حاکم بر تولید از دیدگاه امام علی (علیه السلام)» اصول اقتصادی حاکم بر رفتارهای اقتصادی در حیطه تولید، از دیدگاه امام علی (علیه السلام) را بررسی کرده که صرفاً بخش بسیار کمی از اصول اخلاقی تولید را شامل می‌شود.

زنگی‌نژاد (۱۳۹۴) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «نگاهی نوین به نظریه تولید در چارچوب اقتصاد اسلامی، مطالعه کاربردی: مدل‌سازی تابع تولید بومی صنایع هوایی در ایران» در فصل چهارم آن به مباحثی مثل مبانی ارزشی و اصول بنیادی و اهداف تولیدکننده مسلمان پرداخته است. در این پایان‌نامه مدل‌سازی به معنای مدل تئوریک نیست.

نورایی و ایروانی (۱۳۹۱) در مقاله «عناصر اخلاق اقتصادی اسلامی و تولید ملی» به بخشی از عناصر اخلاق اقتصادی ناظر به تولید مانند وجدان کار، تخصص و تعهد، توجه به کیفیت، نفی استعمار پرداخته‌اند.

توکلی (۱۳۹۴) در رساله خود با عنوان «شناخت مبانی قرآنی و اصول حاکم بر تولید و مصرف» هرچند در برخی فصول به اصول تولید پرداخته لکن با مسئله مقاله حاضر فاصله معناداری دارد.

چنان‌که ملاحظه گردید، در میان تحقیقات یادشده اثری که به ارائه مدل تئوریک به مفهوم مورد نظر این نوشتار از اخلاق تولید پرداخته شود، یافته نشد. البته در برخی آثار به بخشی از اصول اخلاقی در خصوص کار و تولید پرداخته شده است.

اجزای مدل

از آنجاکه هر مسئله‌ای در جهان واقعی شامل شمار بسیاری اجزای متغیر همراه با تعداد کثیری روابط غالباً پیچیده بین آنهاست، برای تحلیل چنین وضعیتی بدیهی است که نمی‌توان همه متغیرها و روابط حاکم بر آنها را یکجا مطالعه کرد، بلکه باید در درجه نخست مهم‌ترین عناصر مورد نظر را برگزیده و دیگر عناصر را نادیده گرفت (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳) و در درجه دوم از آنجاکه این مدل نظام‌مند است و همه عناصر دارای اهداف واحدی هستند، باید ارتباط آنها را با اهداف مورد نظر مطالعه نمود.

مهم‌ترین اجزای یک مدل تئوریک عبارت‌اند از: مبانی نظری، هدف‌ها و انگیزه‌ها، معیار و اصول اخلاقی که در مقاله پیش رو در صدد بیان تفصیلی و اثبات این اجزاء نیستیم؛^۱ بلکه آنها را پیش‌فرض گرفته و فقط روابط بین آنها از حیث ترتیب و ترتب و نیز سازگاری و ارتباط منطقی‌شان باهم مورد توجه است.

مبانی نظری

مبانی نظری (فکری - فلسفی) در حقیقت همان جهان‌بینی است (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۱۹). جهان‌بینی، نوع برداشت و طرز تفکری است که مکتبی درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد و زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب شمرده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۷۱۴-۷۱۵). مبانی نظری متشکل از مبانی مبدأشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و مبنای اخلاقی است. این نوشتار آن دسته از مبانی که در انتخاب عناصر دیگر مدل از قبیل اهداف، معیار و اصول اخلاق نقش بیشتری ایفا می‌کنند، به شرح زیر مورد توجه و پیش‌فرض قرار داده است:

- مبانی مبدأشناختی: مهم‌ترین مبنا توحید افعالی و میان اقسام آن توحید ربوبی و مالکیت حقیقی خداوند؛
- مبانی جهان‌شناختی: هدفمندی جهان آفرینش، آخرت‌باوری و رابطه وثیق آن با دنیا و توجه ویژه به محیط زیست؛
- مبانی انسان‌شناختی: دوساحتی بودن انسان و اصالت روح، کرامت ذاتی و اکتسابی انسان، نیازمندی و مسئولیت‌پذیری انسان؛
- مبنای جامعه‌شناختی: مبنای اصالت فرد و جامعه هر دو؛
- و مبنای اخلاقی و نظریهٔ هنجاری مدل: «خوددوستی».^۲

^۱ تفصیل آن در تحقیق مدل اسلامی اخلاق تولید تألیف نگارنده در گروه اخلاق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی به انجام رسیده و در نوبت چاپ است.

^۲ نظریه خوددوستی از طرف نگارنده طی مقاله «خوددوستی و مقایسه آن با خودگروی» در فصلنامه علمی پژوهشی قبسات، منتشر شده است؛ برای تفصیل رک به: جداری عالی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹-۱۴۱.

هدف‌ها

هدف نهایی انسان در تمام ساحات زندگی از جمله فعالیت‌های تولیدی، رسیدن به سعادت جاودانه که همانا تقرب به خداوند است که با هدف میانی زندگی خوب و گوارا با ویژگی‌های عدالت اجتماعی، امنیت، رشد و پیشرفت همه‌جانبه در سطح کلان و با اهداف و انگیزه‌های خرد یعنی جلب خوشنودی خدا و پاداش الهی، سود و تأمین رفاه خود و خانواده، رفع فقر و نیاز جامعه و همچنین مطلوبیت و ارزش ذاتی کار تولیدی که در دنیای انسان قابل دستیابی است.

معیار اخلاق تولید

مراد از معیار در اینجا مفهومی است که برای تشخیص صحیح اصول اخلاقی تولید و نیز کم‌وکیف مطلوب آن به کار می‌رود. در نوشتار پیش رو معیار اصلی اخلاق تولید، رفع نیاز واقعی با تأکید بر رفع فقر نیازمندان جامعه و نیز تأکید بر نیازهای کلان اجتماعی از قبیل امنیت معنوی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همچنین عدالت اخلاقی و اجتماعی و نیز رشد و رفاه اقتصادی می‌باشد.

اصول اخلاقی

مقصود از «اصول اخلاقی» در نوشتار پیش رو، آن دسته از رفتارها و صفت‌هایی است که در عملکرد انسان در حوزه تولید اثر اساسی دارد. مهم‌ترین اصول اخلاق تولید عبارت‌اند از:

- اصل توکل بر خدا؛
- صداقت‌پیشگی که اصول مهمی مانند ضرورت وفای به عهد و قرارداد و نیز اصل ضرورت امانت‌داری را در بر دارد؛
- اصل ضرورت رعایت عدالت و انصاف شامل عدالت‌ورزی در توزیع قبل از تولید و نیز عدالت‌ورزی در توزیع بعد از تولید؛
- اصل صبوری و بردباری؛
- اعمال تدبیر و برنامه؛

- ضرورت رعایت اعتدال و پرهیز از اسراف و تبذیر در منابع مالی و انسانی و غیره؛
- اصل رقابت و تعاون در خیرات.

استخراج مدل

بر اساس پیش‌فرض‌های پیش‌گفته، روابط میان هر کدام از عناصر و اجزای مدل به شرح ذیل مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱. جایگاه مبانی نظری در مدل اخلاق تولید

منظور از مبانی نظری مدل اخلاقی تولید، مفاهیم و اصولی است که حاکم بر خطوط اصلی مدل و سازنده ایده‌های آن می‌باشد. این مفاهیم و اصول نظری به همراه سایر ارکان اصلی مدل مانند اهداف و انگیزه‌ها، معیار و قواعد و اصول عملی، نهایتاً تعیین‌کننده ساختار مدل می‌گردد و لازمه آن این است که چنان‌که در تعریف مدل گفته شد، با آنها ارتباط منطقی داشته باشند و پیش از هر چیز، لازم است خود مبانی با هم سازگار بوده و رابطه منطقی داشته باشند. حال این روابط به اختصار و به شرح زیر بیان می‌شود:

۱-۱. جایگاه مبانی مبدأشناختی در مدل اخلاق تولید

مبانی مبدأشناختی اخلاق تولید در تمام ارکان و عناصر مدل اخلاق تولید نقش تعیین‌کننده دارد؛ از سایر مبانی گرفته تا اهداف و انگیزه‌ها، معیار و اصول اخلاقی تولید.

الف) رابطه مبانی مبدأشناختی و سایر مبانی

ریشه اصلی مبانی اخلاق تولید، مبانی مبدأشناختی و در رأس آن اصل توحید است. اصل توحید با مراتب چهارگانه ذاتی، صفاتی، افعالی و عبادی در تمام مبانی نظری دیگر تأثیر می‌گذارد. در این مجال این تأثیر را در یکایک مبانی نشان می‌دهیم.

یک) رابطه مبانی مبدأشناختی و جهان‌شناختی

اصل توحید محوری سبب می‌شود که خداوند را صرف‌الوجود و حقیقت وجود و علة‌العلل و تنها علت مستقل بدانیم و همین باور سبب می‌شود که در مبانی جهان‌شناختی، جهان و به عبارتی ماسوی‌الله را نشانه‌های ذات بی‌پایان خداوند دانسته و او را غنی مطلق و غیر او

را فقیر و نیازمند وی بشماریم و نیز برای جهان، ماهیت از اوایی و به سوی اوایی قائل شویم و بر اساس چنین رابطه‌ی بین خدا و جهان، نظام حاکم بر جهان را توحیدی و نشئت‌گرفته از ذات واحدی که حُسن محض و جمال صرف و کمال مطلق است، دانسته و با توجه به علم، حکمت و خیر محض بودن مبدأ جهان هستی، نظام حاکم بر جهان پیوسته دنیا و آخرت را نظام احسن ارزیابی نمودیم.^۱

دو) رابطه مبانی مبدأشناختی با مبانی انسان‌شناختی

توحیدمحوری در مبانی مبدأشناختی ایجاب می‌کند که خداوند را حقیقت وجود و علة‌العلل و تنها علت مستقل و ماسوی‌الله از جمله انسان را معلول و وابسته به او بدانیم. همین معنا سبب می‌شود که در مبانی انسان‌شناختی، انسان را نشانه ذات بی‌پایان خداوند دانسته و فقیر و نیازمند به او بشماریم.^۲

از آنجاکه خداوند در دو جای قرآن درباره خلقت انسان ضمن یادآوری انتساب خالقیت انسان به خود و پس از بیان خلقت جسم و دمیدن روح خویش بر وی امر به سجده بر او می‌کند (ر.ک به: حجر: ۲۸-۲۹/ ص: ۷۱-۷۲) که از نظر بعضی از مفسران (ر.ک به: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۵۴-۱۵۵، با انتساب به: ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۵۹) این سجده از جهت حرمت و عظمت آن روح منتسب به الله می‌باشد. طبق این تفسیر، معنای آیه چنین می‌شود: «وقتی من ترکیب آن را تعدیل نموده و خلقت بدنش را تمام کردم و سپس روح بزرگ منسوب به خود را که من میان آن و بدن او ارتباط برقرار کردم، ایجاد نمودم، شما برای سجده بر او به زمین بیفتید».

بنابراین، بر مبانی تفسیر فوق، اعتقاد به توحید در خالقیت سبب می‌شود در مبانی انسان‌شناختی، انسان را در جایگاه اشرف مخلوقات خداوند و دارای روحی با قابلیت‌های خداگونه‌شدن و استقلال از جسم بدانیم.

از سویی در مبانی مبدأشناختی گفته شده که اولاً خداوند خالق کل کائنات است و ثانیاً مالک مطلق آنهاست و همه هستی از آن خدای متعال است، بر این اساس می‌توان گفت:

^۱ رابطه توحید و مبانی پیوستگی دنیا و آخرت در نظام احسن حاکم بر جهان.

^۲ رابطه توحید و مبانی نیازمندی انسان.

هرکجا حقی باشد، اصالتاً از آن خداست و هیچ حقی برای کسی به خودی خود ثابت نمی‌شود؛ مگر اینکه خداوند، آن حق را به آن موجود اعطا کرده باشد؛ لذا خداوند حقّ تصرف در هر موجودی را خواهد داشت و از آن طرف هیچ موجودی، حقی بر خداوند و سایر موجودات ندارد؛ چون هیچ‌گونه مالکیت و خالقیتی نسبت به آن ندارد.

از سوی دیگر یکی از مبانی انسان‌شناختی را مسئولیت‌پذیری انسان دانستیم و معلوم است که دو واژه حقّ و مسئولیت با یکدیگر ملازم‌اند؛ لذا هر کجا سخن از حقّ می‌شود متقابلاً و غیرمستقیم، به مسئولیت و تکلیف در قبال آن حقّ نیز اشاره شده است؛ لذا از آن جهت که خداوند خالق کل کائنات و دارای حقّ بر تمام موجودات از جمله انسان است، لذا نتیجه می‌گیریم که انسان نیز در قبال خداوند دارای مسئولیت است و این مسئولیت، مسئولیتی حقیقی است (نهج‌البلاغه، ص ۳۳۳).

سه) رابطه مبانی مبدأشناختی با مبانی جامعه‌شناختی

توحیدمحوری در مبانی مبدأشناختی ایجاب می‌کند که ما همه موجودات جهان از جمله فرد انسان و جامعه را مخلوق خدا بدانیم، از سوی دیگر توحید ربوبی خداوند مستلزم این است که اداره و تأثیر و تأثرها در عالم هستی اولاً و بالذات منتسب به خداوند متعال باشد. بر اساس این باور، تأثیر مطلق انسان بر جامعه و برعکس تأثیر مطلق جامعه بر انسان، متفی است؛ بلکه هر کدام از آنها مستقیماً تحت اراده و قوانین موضوعه خداوند حیات و ممات مخصوص خود را دارند؛ لذا ما در مبانی جامعه‌شناختی اصالت صرفاً فرد به معنای تأثیرگذاری مطلقش بر حیات جامعه و برعکس اصالت صرف جامعه به معنای تأثیرگذاری مطلقش بر حیات فرد را رد کردیم و به اصالت هر دو در پناه مدیریت و مدبریت خداوند قائل شدیم.

چهار) رابطه مبانی مبدأشناختی با مبانی اخلاقی تولید

همچنین از اعتقاد به توحید به ضمیمه خلقت انسان بر اساس فطرت الهی و توحیدی، در مبانی اخلاقی استفاده کردیم که توحید، سرمنشأ تمام فضایل از جمله فضایل اخلاقی تولید می‌باشد.

ب) رابطه مبانی مبدأشناختی با اهداف اخلاق تولید

اعتقاد به توحید در خالقیت، سبب شده از سویی برای جهان و به تبع آن انسان، ماهیت از اویی و به سوی اویی قائل شویم و از سوی دیگر، در مبانی انسان‌شناختی، انسان را به عنوان اشرف مخلوقات خدا و دارای روحی کمال‌پذیر و کمال‌وی را در خداگونه‌شدن و به عبارتی معرفت و درک و مجاورت حق متعال و اوصاف و افعال او دانسته و آن را سعادت حقیقی نامیده و هدف نهایی انسان تلقی کنیم.

اهداف میانی مدل در سطح کلان را در تأمین زندگی خوب و گوارا برای شهروندان تعریف کردیم؛ چراکه چنین زندگی در راستا و زمینه‌ساز رسیدن به همان هدف نهایی و تقرب به خداوند قابل تعریف است.

ج) رابطه مبانی مبدأشناختی و اهداف و معیار اخلاقی تولید

بر اساس توحیدمحوری در مبانی مبدأشناختی، هدف نهایی اخلاق تولید را تقرب به خدای بی‌همتا و هدف میانی آن را تأمین زندگی گوارا برای انسان دانستیم. از سوی دیگر در جهان‌بینی توحیدی اسلام تنها یک وجود صرف غنی بالذات وجود دارد و آن خداوند تبارک و تعالی است و غیر او همه عالم و اجزای آن از جمله انسان فقیر و نیازمند به او هستند و این نیازمندی اعم از نیازهای مادی، معنوی، تکوینی و تشریحی است. بر این اساس انسان در رفع نیازهای خود، هم به لحاظ سخت‌افزاری و منابع مادی و هم به لحاظ نرم‌افزاری و برنامه و تشریح، نیازمند به خداوند غنی و رزاق و متعال می‌باشد. از سوی دیگر بنا به تعریف، مراد از نیازهای واقعی، نیازهایی است که در عالم واقع بین تأمین آنها و تحقق هدف نهایی حقیقی انسان رابطه علت و معلولی برقرار است و بدون برآورده‌کردن آن نیازها، تحقق آن اهداف میسر نمی‌شود؛ بنابراین معیار اخلاقی مدل را رفع نیاز واقعی قرار دادیم تا از طریق اهتمام به آن زمینه یک زندگی گوارا با مشخصه‌های عدالت، امنیت و پیشرفت فراهم شود که در سایه آن، موانع راه رسیدن به خدا به عنوان هدف نهایی برداشته شود.

د) رابطه مبانی مبدأشناختی و اصول اخلاقی تولید

یک) رابطه توحیدمحوری و توکل

در مبنای مبدأشناختی گفته شد که اعتقاد به توحید، محوری‌ترین و مبنایی‌ترین مسئله به شمار می‌رود؛ به طوری که اولین و اصلی‌ترین شعار انبیای الهی از جمله نبی گرامی اسلام ﷺ «لا اله الا الله» بوده است. یکی از اقسام توحید نیز توحید افعالی است و توحید افعالی یعنی درک و شناختن اینکه جهان با همه نظامات و سنت‌ها و علل و معلولات و اسباب و مسببات، فعل خدای واحد و ناشی از اراده اوست. موجودات عالم همچنان که در ذات، استقلال ندارند و همه قائم به او و وابسته به او هستند و او به تعبیر قرآن «قیوم» همه عالم است، در مقام تأثیر و علیت نیز استقلال ندارند و در نتیجه خداوند همچنان که در ذات شریک ندارد در فاعلیت نیز شریک ندارد. هر فاعل و سببی، حقیقت، وجود، تأثیر و فاعلیت خود را از او دارد و قائم به اوست. همه حول‌ها و قوه‌ها «به او» است؛^۱ بر اساس چنین اعتقادی در مبنای نظری منطقی در اصول عملی به اصل توکل بر خدا می‌رسیم؛ زیرا حقیقت توکل در اصطلاح بنا به فرمایش پیامبر ﷺ از زبان جبرئیل «دانستن این است که مخلوقاتش، نه ضرری می‌رسانند نه نفعی، نه چیزی می‌دهند، نه مانع چیزی می‌گردند، باید از مخلوقاتش مأیوس گشت؛ وقتی بنده به این درجه رسید، آن‌گاه برای غیرخدا کار نمی‌کند و قلبش به بیراهه نمی‌رود و از غیر او نمی‌هراسد و به غیر او دل نمی‌بندد، این است معنای توکل» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۶۱) و این معنا عین توحید افعالی است (ر.ک به: تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۸۱).

دو) رابطه توحیدمحوری و صداقت‌پیشگی

می‌توان گفت توحید صرفاً یک اصلی از اصول اعتقادات نیست، بلکه محور و روح حاکم بر تمام معارف اسلام، اعم از اصول، فروع و اخلاق می‌باشد. از سوی دیگر صدق، مطابقت سخن و رفتار با اعتقادات قلبی و واقع است؛ بنابراین صادق‌ترین حرف و اعتقاد، اذعان و ایمان کامل به ذات لایزال باری تعالی است. به همین دلیل قرآن، صرفاً مؤمنان به خداوند را صادق توصیف می‌کند (حجرات: ۱۵).

۱. ما شاء الله ولا قوة الا بالله (کهف: ۳۹) / لا حول ولا قوة الا بالله.

یکی از اقسام توحید، توحید در عبادت است. توحید در عبادت یا توحید عملی نیز به معنی یگانه پرستی است. یکی از مراتب یگانه پرستی، انجام مراسم تقدیس و تنزیه است که اگر برای غیرخدا واقع شود، مستلزم خروج کلی از جرگه اهل توحید و از حوزه اسلام است؛ ولی از نظر اسلام پرستش منحصر به این مرتبه نیست؛ هر نوع اتخاذ جهت، ایدئال و قبله معنوی، پرستش است. کلمه طیبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بیش از هر چیزی ناظر بر همین توحید عملی و به عبارتی توحید در عبادت است؛ یعنی جز خدا شایسته پرستش نیست؛ بنابراین توحید عملی یا توحید در عبادت یعنی برای خدا خدمت کردن، برای خدا تولیدکردن، به طور کلی برای خدا زیستن و برای خدا مردن^۱ و کسی که به اینجا رسید در واقع به مقام صدق رسیده و صداقت خود را اثبات کرده است؛ چراکه حرف و عملش مطابق با نیت توحیدی اوست. یکی از علائم صداقت یک موحد این است که هیچ حادثه و انگیزه‌ای نمی‌تواند او را از مسیر توحیدی که همانا مسیر سیر الی‌الله است منحرف کند. این ایده در جهت‌گیری‌ها و انگیزه‌ها و اهداف تولیدکننده تأثیر بسزایی دارد؛ برای نمونه، دئیست‌ها به خاطر فقدان توحید در عبادت، در رفتارهای تولیدی خود عاری از هر گونه انگیزه خدایی بوده و انگیزه اصلی بلکه تنها انگیزه آنها در تولید، حداکثرکردن سود مادی است که برخاسته از تمایلات نفسانی می‌باشد و این در حالی است که یک تولیدکننده موحد واقعی، فعالیت تولیدی را عبادت می‌داند؛ بنابراین هیچ‌گاه بر اساس تمایلات و هواهای نفسانی دست به تولید نمی‌زند و یا با انگیزه‌های ایجاد انحصار و از میدان خارج کردن رقیب و سایر انگیزه‌هایی که مبتنی بر قدرت‌طلبی بوده و از معضلات اخلاقی اغلب جامعه‌های بشری است، تولید نمی‌کند. همین امر در پایه‌ریزی اصول و قواعد متعدد اخلاقی تولید از جمله صداقت‌پیشگی نقش قابل توجهی دارد. تا تولیدکننده موحد با تکیه بر این اصل در جهت پرهیز از انحصارگرایی و تشکیل کارتل‌ها و تراست‌های بین‌المللی که سبب تضعیف تولیدکنندگان کوچک و استثمار ملت‌ها می‌شود، گام بردارد.

۱. آن‌چنان‌که ابراهیم علیه السلام گفت: «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام: ۱۶۲): همانا نماز، عبادتم، زیستنم و مردنم برای خداوند، پروردگار جهان‌هاست».

سه) رابطه توحیدمحوری و امانت‌داری و رعایت اعتدال

یکی از مبانی مبدأشناختی اعتقاد به مالکیت حقیقی خداوند است. گفته شد که خداوند خالق جهان هستی و مدبر امور آن است (یونس: ۳)؛ بنابراین خداوند بر هر آنچه در عالم وجود هست از جمله انسان و آنچه در دست اوست سلطه و سیطره واقعی دارد و این همان معنای مالکیت حقیقی خداست. حال با این وصف، انسان موحد، خود و همه اشیاء در دسترس خود را مملوک خداوند و امانت در دست خود می‌داند و همین امر سبب شد که یکی از اصول اخلاقی تولید را ضرورت امانت‌داری شمردیم. لذا یک تولیدکننده موحد، بر اساس اصل ضرورت امانت‌داری باید در بهره‌برداری از تمام منابع تولید در اختیارش، رسم امانت‌داری را رعایت کند و رسم امانت‌داری به این است که تمام امکانات و حتی روح و جسم خود را در چارچوب و نیز در راستای مقررات و احکام الهی به کار بگیرد و همین امر سبب می‌شود انسان در تعامل با خدا، خود، دیگران و حتی طبیعت که منابع تولید را فراهم می‌کنند از زیاده‌روی، اسراف و تبذیر، طغیان و تعدی به حقوق آنها به‌جد پرهیز کند و لذا یکی دیگر از اصول اخلاقی تولید را رعایت اعتدال و پرهیز از اسراف و تبذیر شمردیم. نتیجه طبیعی آن، این است که انسان موحد، در فعالیت‌های تولیدی خود با تمام عوامل تولید صادق بوده و از ارتکاب هر گونه حيله و نیرنگ و کم‌گذاشتن در کمیت و کیفیت کالا خودداری کند.

چهار) رابطه توحیدمحوری با تدبیر و نظم و اتقان

حکمت خداوندی در هر چیز تجلی یافته و موجودات عالم نیز روی حساب، نظم دقیق و متقن و نیز بر اساس هدف معینی قدم به عرصه هستی نهاده‌اند. جهان چون خط‌و‌خال و چشم و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست. نظم شگفت و محیرالعقولی که در همه مخلوقات، حرکت سیاره‌ها و ستارگان، گیاهان، موجودات دریایی و صحرائی، بدن انسان، گردش خون و ... وجود دارد، همه و همه معلول تدبیر خداوند حکیم، مدبّر و تواناست.

از سوی دیگر هدف نهایی تولیدکننده موحد را کمال و تقرب به خداوند شمردیم و نیک می‌دانیم یکی از معانی کمال انسان و تقرب به خداوند، کسب صفات کمالی خداوند متعال و خداگونه‌شدن است؛ لذا یکی از اصول اخلاق تولید را رعایت نظم و تدبیر و نیز

اتقان در مصنوعات قرار دادیم تا تولیدکننده مسلمان با اتکای به این اصول در فعالیت خود ضمن پیشبرد اهداف کاری خود، هرچه بیشتر در راستای هدف نهایی خود گام بردارد.

پنج) رابطه توحیدمحوری و صبر

از جمله نتایج اعتقاد به توحید به ویژه توحید افعالی، التزام به صبر در کارهاست. خداوند متعال در قرآن صابران را کسانی معرفی می‌کند که هنگام مواجهه با مشکلات و مصیبت‌ها کلام شریف استرجاع «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را بر زبان می‌رانند (بقره: ۱۵۵-۱۵۶) و این نشان‌دهنده آن است که عامل صبر آنها، اعتقاد به مضمون این عبارت که همانا توحید افعالی است، می‌باشد. لذا امام باقر علیه السلام فرمود:

و هر کس صبر و بردباری پیشه کند و استرجاع نماید؛ یعنی بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و خدا را حمد و ثنا گوید در واقع به کار خدا رضایت داده است (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۲۳).

این سخن گوهر بار بیانگر این است که صبر و به‌زبان آوردن کلمه استرجاع نشانه وجود صفت رضاست و این جز با التزام نظری و عملی به توحید افعالی حاصل نمی‌شود.

۱-۲. جایگاه مبانی جهان‌شناختی در مدل

رابطه مبانی مبدأشناختی و انسان‌شناختی و جهان‌شناختی

در مبانی انسان‌شناختی انسان را مسئولیت‌پذیر در مقابل خدا و خلق دانستیم؛ لازمه آن این است که در مبانی جهان‌شناختی نیز مسئولیت انسان را نه تنها نسبت به نسل خود بلکه در مقابل نسل‌های آینده بپذیریم و به عدالت بین‌نسلی معتقد و پایبند باشیم. این مسئولیت و حقوق، تنها با مکتب الهی و توحیدی قابل توجیه است؛ چراکه حقوق از اینجا ناشی می‌شود که جهان خدا دارد و جریانی که در جهان ساری است به سوی یک غایت و هدفی است. مسئولیت نسل آینده و عدالت بین‌نسلی، همه بر این اساس است که جهان نظام حکیمانه‌ای دارد و این خلقت به سوی هدف‌هایی پیش می‌رود، به این ترتیب که چون جهان به سوی هدف‌هایی پیش می‌رود، حق را خود خلقت به وجود آورده است؛ آن‌گاه ما در مقابل خلقت مسئولیت داریم و این مسئولیت تفاوتی نمی‌کند که در قبال هم‌نسلی‌های خودمان باشد یا نسل‌های آینده باشد.

۱-۳. جایگاه مبانی انسان‌شناختی در مدل

الف) رابطه مبانی انسان‌شناختی با مبانی جامعه‌شناختی

از آنجاکه ما در مبانی جامعه‌شناختی افزون بر فرد، برای اجتماع نیز اصالت قائل شدیم و لذا گفته شد جامعه برای خود وجود و وحدت دارد و دارای مسیر و خط سیر بوده و تکامل دارد، عمر دارد، حیات و موت دارد، از اینها می‌توان استفاده کرد که اجتماع حقوق دارد و در مبانی انسان‌شناختی گفته شد هر جا که حقی باشد در کنارش مسئولیتی وجود دارد؛ بنابراین انسان در قبال آن مسئولیت دارد و همین امر سبب می‌شود که انسان مسلمان خود را در قبال جامعه مسئول بداند.

ب) رابطه مبانی انسان‌شناختی با اهداف

یکی از مبانی انسان‌شناختی را کرامت ذاتی و اکتسابی انسان معرفی کردیم و از سوی دیگر، یکی از اهداف مدل را رفع فقر و نیاز جامعه برگزیدیم؛ اما آنچه قابل تذکر است، این است که اهتمام به رعایت هر دو مبنا ایجاب می‌کند بی‌نیاز کردن فقیران جامعه، همواره باید با حفظ کرامت ایشان همراه باشد و این دو مکمل هم هستند؛ چراکه رفع فقر از جامعه اسلامی، ضرورت دارد؛ زیرا که فقر به صورت امری نهادینه‌شده، با کرامت انسان و جلال اسلام و عزت مؤمنان و ادای تکالیف مؤمنانه سازگاری ندارد. وقتی خداوند انسان را با کرامت آفرید و امکانات متناسب با آن را در اختیار وی گذاشت و بدین طریق وی را بر بسیاری از مخلوقات دیگر برتری داده، انسان موظف است این کرامت ذاتی را حفظ کند. برای حفظ کرامت ذاتی انسان، عناوین ثانوی متعددی چون حفظ آبرو و عزت نفس مترتب می‌شود که در راستای حفظ آن، از هیچ کاری نباید فروگزاری کرد و اگر مستلزم هزینه مالی باشد، نباید کوتاهی نمود. چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَفْضَلَ الْفِعَالِ صِيَانَةُ الْعُرْضِ بِالْمَالِ (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۹، ح ۱۴).

بهترین کارها، حفظ آبرو به وسیله مال است.

هدف دین الهی - در احکام مالی و اقتصادی فراوان آن - این نیست که به فقیران چیز بخور و نمیری داده شود که از مرگ نجات یابند، بلکه هدف مهم اسلام حفظ کرامت وی و ارتقای رفاه معیشتی و اقتصادی او و در نتیجه بی‌نیاز کردن آبرومندانه فقیران و رهانیدن

ایشان از فشارهای هلاک‌کننده تهیدستی، از طریق رساندن سطح زندگی آنان به سطح زندگی سایر اعضای جامعه می‌باشد و آموزه‌های اسلام به‌صراحت بر این مطلب دلالت دارد. شاید بتوان گفت از مهم‌ترین دلایل بر این مطلب، تأکید کتاب الهی بر اخوت ایمانی «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) و اثبات عزت برای مؤمنان، «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸) و تأکید بر انجام دادن مسئولیت مؤمنانه است که به فرمایش پیامبر اعظم ﷺ «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۹).

پرواضح است که فقر با عزت و اخوت با فاصله‌های ناجوانمردانه میان طبقات اجتماعی سازگاری ندارد؛ چنان‌که وجود فقر در جامعه با مسئولیت‌پذیری مؤمنانه ناسازگار است و همین امر سبب می‌شود که یکی از اهداف مهم در این مدل را عدالت اقتصادی و اجتماعی قرار دهیم.

ج) رابطه مبانی انسان‌شناختی با معیار اخلاقی

یکی از مبانی انسان‌شناختی را نیازمندی انسان نام بردیم و همچنین یکی دیگر از آن مبانی را دو ساحتی‌انگاری انسان شمردیم و گفتیم از نظر اسلام انسان افزون بر جسم دارای روح مجردی است که در کنار هم و مکمل هم هستند؛ بنابراین لازم است نیازهای آن نیز مورد توجه قرار گیرد و نیز یادآور شدیم که نیازها و میل‌های انسان در صورتی قابل ارضا هستند که به جنبه روحی وی ضرری نداشته باشند؛ لذا رفع نیازهای واقعی را معیار اخلاقی تولید معین کردیم که طبق تعریف برآوردن آن نیازها، نه تنها به جنبه روحی انسان، ضرر ندارد، بلکه در راستای تقویت و کمال آن می‌باشد.

۱-۴. جایگاه مبانی جامعه‌شناختی در مدل

در سطور پیشین درباره رابطه مبانی جامعه‌شناختی با سایر مبانی مطالبی آمد و در این مجال از تکرار آن اجتناب می‌شود و به یک نکته‌ای که گفته نشد اشاره می‌شود.

رابطه مبانی جامعه‌شناختی با اصل اعتدال و پرهیز از اسراف و تبذیر

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَ ارزُقُوهُمْ فِيهَا وَ اَكْسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (نساء: ۵): اموالی که خدا قوام زندگانی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان

مدهید و از مالشان [به قدر لزوم] نفقه و لباس به آنها دهید [و برای آنکه از آنها آزار نبینید] با گفتار خوش آنان را خرسند کنید.

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه فوق (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ۱۷۰-۱۷۲) می‌نویسد:

کلمه «سفه» به معنای سبکی عقل است و گویا در اصل به معنای مطلق سبکی و سستی چیزی است که نباید سست باشد و از این باب است که افسار سست را «زمام سفیه» و لباسی که بافتش سست و پارچه‌اش پست است «ثوب سفیه» می‌نامند؛ ولی بعداً بیشتر در سستی عقل استعمال شده است و معنایش بر حسب اختلاف اغراض مختلف می‌شود؛ مثلاً به کسی که در اداره امور دنیایی‌اش ناتوان و عاجز است سفیه می‌گویند و به کسی هم که در امور دنیایی‌اش کمال هوشیاری را دارد ولی درباره امر آخرتی‌اش کوتاهی نموده و مرتکب فسق می‌شود یعنی در این قسمت لابلالی است، سفیه می‌گویند.

ایشان هرچند با توجه به شواهدی در آیه مورد بحث و آیه بعدی آن استناد کرده و ضمن احتمال شمول واژه «سفها» بر عموم سفیهان - چه یتیم و چه غیریتیم - منظور از «سفها» را خصوص سفیهان از یتیمان معرفی می‌کند؛ اما در ادامه مطلب جالبی می‌فرماید که می‌تواند به عنوان مبنایی برای سایر تصرفات قرار گیرد و در مقوله تولید آثار فراوانی به جای بگذارد و آن اینکه ایشان از عبارت: «اموالکم...» و از اینکه اموال ایتام را به اولیای ایتام - که مخاطب این آیه می‌باشند - نسبت داده، استفاده می‌کند که مجموع اموال و ثروتی که روی کره زمین و زیر آن و بالاخره در دنیا وجود دارد متعلق به عموم ساکنان این کره است و اگر بعضی از این اموال به بعضی از ساکنان زمین و بعضی دیگر به بعضی دیگر اختصاص پیدا می‌کند، از باب اصلاح وضع عمومی بشر است که بر اصل مالکیت و اختصاص مبتنی است و از این مطلب خود نتیجه می‌گیرد که لازم است مردم این حقیقت را تحقق دهند و بدانند که عموم بشر جامعه‌ای واحدند که تمامی اموال دنیا متعلق به این جامعه است و بر تک‌تک افراد بشر واجب است این مال را حفظ نموده و از هدررفتن آن جلوگیری کنند؛ پس نباید به افراد سفیه اجازه دهند که مال را اسراف و ریخت‌وپاش نمایند، خود افراد عاقل اداره امور سفیهان را مانند اطفال صغیر و دیوانه بر عهده بگیرند (ر.ک به: همان، ۱۷۰).

بنابراین از نظر ایشان آیه شریفه بر یک حکم عمومی جامعه‌شناختی دلالت می‌کند و آن حکم این است که جامعه برای خود شخصیتی واحد دارد که این شخصیت واحد مالک

تمامی اموال روی زمین است و خدای تعالی زندگی این شخصیت واحد را به وسیله این اموال تأمین کرده و آن را رزق وی ساخته است؛ پس بر این شخصیت لازم است که امورات آن مال را اداره نموده، در معرض رشد و ترقی‌اش قرار دهد و کاری کند که روزبه‌روز زیادتر شود تا به همه و تک‌تک افراد وافی باشد و به همین منظور باید در ارتزاق با مال حد وسط و اقتصاد را پیش گیرد و آن را از ضایع شدن و فساد حفظ کند.

۱-۵. جایگاه مبنای اخلاقی در مدل

در این نوشتار خوددوستی به عنوان یک نظریه‌ای هنجاری (Normative theory)، مبنای اخلاقی مدل اخلاق تولید قرار گرفته است. این نظریه، از سویی مبتنی بر برخی مبانی پیش‌گفته در مدل اخلاقی است و از سوی دیگر، در انتخاب اهداف و انگیزه‌ها، معیارها، اصول اخلاقی تولید تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد.

الف) رابطه مبنای اخلاقی با سایر مبانی مدل اخلاقی تولید

از آن جهت که مشروعیت و بایستگی خوددوستی در رفتارهای اختیاری از جمله فعالیت‌های تولیدی مبتنی بر خلقت انسان مطابق با فطرت الهی می‌باشد، از لحاظ مبدأشناختی مبتنی بر توحید در ربوبیت تکوینی خداست و از آن جهت که در ادامه راه برای جلوگیری از انحراف از فطرت الهی انسان را نیازمند به هدایت‌ها و برنامه‌های خدا می‌داند، مبتنی بر توحید در ربوبیت تشریحی است.

همچنین، از آن جهت که در مبانی انسان‌شناختی، پس از قبول دوساحتی بودن انسان، اصالت و ملاک انسانیت او را ساحت روح او دانستیم، بنابراین در مبنای اخلاقی نیز، من علوی و روح را به عنوان «خود (ذات)»، من واقعی و حقیقت انسان در مقابل من سفلی - که درجه پایین و مربوط به جسم و حیوانیت اوست - مورد توجه قرار دادیم و در ادامه، مقصود از خوددوستی را دوست داشتن همان من ملکوتی و علوی انسان دانستیم که خود، سرچشمه گرایش‌ها و انگیزه‌های اصیل انسان از قبیل «حب بقا»، «حب کمال» و «حب لذت یا سعادت» می‌باشد و همین امر به عنوان مقدمه‌ای لازم، ما را در اثبات بایستگی و

خوبی رفتار بر مبنای خوددوستی یاری کرد. همچنین پذیرش فطرت‌مندی انسان به عنوان پیش‌فرض دیگر، ما را در تقریر برهان نظریه اخلاقی خوددوستی یاری نمود.

ب) رابطه مبنای اخلاقی با اهداف و انگیزه‌ها

یکی از کاربردهای مهم نظریه خوددوستی در مدل اخلاق تولید، انتخاب اهداف و انگیزه‌های آن است؛ به این ترتیب که وقتی نظریه اخلاقی را خوددوستی و مراد از خوددوستی را دوست‌داشتن من ملکوتی و علوی انسان دانستیم، لذا اهداف خود را بر اساس اهداف همان من علوی و کمال و سعادت آن قرار دادیم که نتیجه نهایی آنها تقرب به حق تعالی می‌باشد و از آنجاکه چنین خوددوستی، منشأ گرایش‌ها و انگیزه‌های اصیل انسان از قبیل «حب بقا»، «حب کمال» و «حب لذت یا سعادت» می‌باشد، بنابراین برانگیزاننده اصلی در این مدل را همین خوددوستی در نظر گرفتیم.

ج) رابطه مبنای اخلاقی با معیار اخلاقی تولید

نتیجه منطقی نظریه خوددوستی در اخلاق، انتخاب «نیاز واقعی» به عنوان معیار اخلاقی تولید است؛ به این ترتیب که از سویی مفاد نظریه اخلاقی «خوددوستی» این است که «رفتار به مقتضای خوددوستی، خوب است»، در نتیجه «باید به مقتضای خوددوستی عمل کرد» و از سوی دیگر، مراد از خوددوستی را دوست‌داشتن من ملکوتی و علوی انسان دانستیم و اهداف خود را بر اساس اهداف همان من علوی و کمال و سعادت آن قرار دادیم که نتیجه نهایی آنها تقرب به حق تعالی می‌باشد. بر این اساس نیاز واقعی را به عنوان ملاک اخلاقی فعالیت‌های تولیدی معرفی کردیم که طبق تعریف «نیاز واقعی به آن دسته از کمبودها اطلاق می‌شود که رفع آنها در راستای رسیدن به اهداف به‌ویژه هدف عالی و نهایی انسان و جامعه ضرورت دارد و با وجود آن کمبودها، نیل به هدف میسر نیست و یا بسیار سخت است»؛ بنابراین جهت نیل به هدف عالی لازم است موانع آن که عبارت از نیازهای واقعی انسان است، از سر راه برداشته شود و برای این منظور همواره باید رفع نیازهای واقعی ملاک رفتارهای تولیدکننده باشد.

د) رابطه مبنای اخلاقی با اصول اخلاقی تولید

نقش کلیدی مبنای اخلاقی خوددوستی در مدل اخلاق تولید، در انتخاب اصولی مانند توکل به خدا، صداقت‌پیشگی و امانت‌داری و عدالت‌ورزی و احسان به عنوان اصول اخلاقی تولید است؛ چراکه واضح است این اصول خود جزو فضائل مهم اخلاقی‌اند و آثار شگرفی در رشد و کمال خود حقیقی دارند که دقیقاً مطابق با مقتضای خوددوستی می‌باشند و برای نمونه در ارتباط با صداقت‌پیشگی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

الجمال صواب القول بالحقّ و الکمال حسن الفعال بالصدق (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۳۳).

جمال، درستی گفتار مطابق با حق است و کمال، نیکی رفتار مطابق با صدق و راستی است.

پیامبر خدا در این سخن در واقع کمال خود حقیقی انسان را صدق عملی او معرفی

می‌کند. چنان‌که علی علیه السلام نجات من علوی حقیقی را در صداقت می‌داند:

الصّدقُ يُنجِیکَ وَ إِن خِفْتَهُ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۹).

صداقت تو را نجات می‌دهد؛ اگر چه از آن بترسی.

النَّجاةُ مَعَ الصّدقِ (همان، ص ۴۷).

رستگاری همواره با صداقت است.

و واضح است رستگاری و نجاتی که در این سخنان آمده نجات روح و من علوی

انسان است و این همان مفاد نظریه خوددوستی است.

همچنین یکی از کارکردهای مهم مبنای اخلاقی خوددوستی، انتخاب اصولی مثل پرهیز

از اسراف و تبذیر به عنوان اصل عملی در مدل اخلاقی تولید می‌باشد؛ زیرا بی‌توجهی به

نهی از اینها و در نتیجه رفتار مسرفانه و مترفانه پیامدهای منفی و جبران‌ناپذیری در روح

انسان داشته و مانع اعتلای من علوی و ملکوتی انسان به جای می‌گذارد؛ برای مثال، اسراف

و تبذیر سبب ناسپاسی و کفران نعمت (ر.ک به: اسراء: ۲۷)، خواری در پیشگاه الهی (ر.ک به:

کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۹) و در نتیجه، خشم خداوند متعال (همان، ج ۴، ص ۵۲، ح ۲) و

محرومیت از هدایت او (ر.ک به: غافر: ۲۸) و عدم استجاب دعا توسط او، در ارتباط با

خداوند و نیز آثاری همچون قساوت قلب، تحقیر نفس انسانی، در ارتباط با خود و پیدایی

رذایلی همچون بخل و ناجوانمردی در انسان می‌شود.

با توجه به پیامدهای یادشده، درمی‌یابیم که تمام آنها برخلاف مقتضای صلاح و کمال من ملکوتی و فطرت خدایی انسان بوده و به ضرر آن می‌باشد.

۲. جایگاه اهداف و انگیزه‌ها در مدل

در صفحات پیشین جایگاه اهداف و انگیزه‌ها در ارتباط با مبانی نظری به اختصار مطرح شد در این مجال به رابطه آن با سایر عناصر مدل می‌پردازیم.

۲-۱. رابطه اهداف کلان با هم

گفته شد هدف اساسی اخلاق تولید در سطح کلان فراهم کردن زندگی گوارا برای عموم شهروندان است و زیرهدف‌های آن نیز سه هدف مهم امنیت، عدالت و پیشرفت و توسعه پایدار است. از نظر این نوشتار، این سه هدف یک مجموعه مرتبط باهم هستند که اگر یکی حاصل نشود بقیه نیز ناکام خواهند ماند و در نتیجه زندگی گوارا محقق نخواهد شد؛ توضیح آنکه اگر عدالت به عنوان یکی از اهداف مهم کلان مدل اخلاق تولید، در جامعه اجرا نشود، امنیت در آن خدشه‌دار خواهد شد. قرآن در این خصوص می‌فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (انعام: ۸۲).

کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را با ظلم نپوشانیدند، أمن از آن ایشان است و راه‌یافتگان ایشان‌اند.

چراکه بی‌عدالتی و تبعیض همواره سبب ایجاد جنگ فقر و غنا، همچنین دودستگی بین ممتازان و بهره‌مندان از مزایای اجتماعی از یک‌سو و محرومان از حقوق اجتماعی از سوی دیگر می‌شود و همین امور زمینه کدورت و اختلاف و درگیری اقشار یادشده باهم و با مسئولانی که عامل پیدایی چنین وضعیتی هستند را در پی خواهد داشت؛ در نتیجه امنیت در جامعه - اعم از امنیت روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - خدشه‌دار خواهد شد.

با مخدوش شدن امنیت در جامعه، پیشرفت و توسعه اقتصادی نیز که یکی دیگر از اهداف کلان تولید است، غیرقابل دستیابی خواهد بود؛ زیرا نیک می‌دانیم که یکی از لوازم پیشرفت و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری - اعم از داخلی و خارجی - است. از سوی دیگر تا زمانی که در جامعه امنیت اجتماعی و اقتصادی برقرار نباشد، انگیزه و امکان سرمایه‌گذاری وجود نخواهد داشت؛ بنابراین برقراری امنیت اصل راهبردی برای دستیابی

به پیشرفت می‌باشد کما اینکه عدالت یک اصل راهبردی برای تحقق آنها بوده و وجود هر سه ضامن تحقق زندگی خوب و گوارا برای شهروندان می‌باشد.

۲-۲. رابطه اهداف و انگیزه با اصول اخلاقی

الف) رابطه اهداف و انگیزه با اصل اخلاقی صداقت‌پیشگی

گفته شده که هدف نهایی انسان در مدل اسلامی اخلاق تولید تقرب به الله است. از سوی دیگر صداقت یعنی حرف و عمل شخص مطابق با نیت او باشد؛ به عبارتی هر فردی باید در تمام سخنان و کارها صدق نیت داشته باشد. صدق نیت فرد موحد یعنی در تمام کارها خدا را در نظر داشته باشد. یکی از علائم صداقت یک موحد این است که هیچ حادثه و انگیزه‌ای نتواند او را از مسیر توحیدی که همانا مسیر سیر الی‌الله و تقرب به او است، منحرف کند و پرواضح است که این ایده در جهت‌گیری‌ها و انگیزه‌ها و اهداف تولیدکننده تأثیر بسزایی دارد؛ برای نمونه، یک تولیدکننده موحد واقعی، فعالیت تولیدی را عبادت و به انگیزه تقرب به خدا انجام می‌دهد؛ بنابراین هیچ‌گاه بر اساس تمایلات و هواهای نفسانی دست به تولید نمی‌زند. همین امر در پایه‌ریزی اصول و قواعد متعدد اخلاقی تولید از جمله صداقت‌پیشگی و در جهت پرهیز از انحصارگرایی و تشکیل کارتل‌ها و تراست‌های بین‌المللی که سبب تضعیف تولیدکنندگان کوچک و استثمار ملت‌ها می‌شود، کاملاً مؤثر است و این در حالی است که یک انسان اقتصادی کلاسیک یا نئوکلاسیک با مبنای فکری دئیسم، به خاطر فقدان توحید در عبادت، در رفتارهای تولیدی خود عاری از هر گونه انگیزه خدایی بوده و انگیزه اصلی بلکه تنها انگیزه آنها در تولید، حداکثرکردن سود مادی است که برخاسته از تمایلات نفسانی می‌باشد و لذا در فعالیت تولیدی خود نمی‌تواند از انگیزه‌های ایجاد انحصار و از میدان خارج کردن رقیب و سایر انگیزه‌هایی که مبتنی بر قدرت‌طلبی بوده و از معضلات اخلاقی اغلب جامعه‌های بشری است، مبرا باشد.

ب) رابطه هدف کلان امنیت با اصل اخلاقی عدالت و انصاف

برخی از اصول اخلاقی بنیادین تولید در تأمین امنیت روانی و اجتماعی افراد و جامعه نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند. یکی از آن اصول، اصل لزوم رعایت عدالت و انصاف است. از نظر این نوشتار، این تأثیر را می‌توان به شرح زیر تبیین کرد.

اولاً، یکی از عوامل تهدید امنیت جامعه، وجود تبعیض در جامعه است؛ زیرا تبعیض‌ها و تفاوت‌گذاشتن‌ها به این معناست که بخشی از اعضای جامعه به‌طور ناروا مورد لطف قرار گرفته و از امکانات جامعه بهره می‌برند و بخش دیگری به‌ناحق از آن امکانات محروم می‌شوند. در چنین شرایطی، آن عده که محروم شده‌اند به لحاظ روحی و روانی آزرده‌خاطر و رنجور می‌شوند و همین امر سبب می‌شود افرادی کینه‌جو بار آمده و در دلشان نسبت به قشر ممتاز کینه و دشمنی ایجاد شود؛ برعکس آن عده‌ای که بی‌جهت ممتاز واقع شده‌اند از نظر روانی به افرادی لوس و بیکاره و پرمدعا تبدیل می‌شوند و همین نکات سبب اختلاف بین افراد و گروه‌های اجتماعی می‌شود؛ در نتیجه ریشه‌های ناامنی روانی و اجتماعی را فراهم می‌کند. اینجاست که رابطه عدالت در جایگاه یک اصل اخلاقی تولید و امنیت توجیه می‌شود؛ به این صورت که اصل بنیادین عدالت اعم از عدالت اجتماعی و اخلاقی از طریق رفع تبعیض و اعطای به‌جا و به اندازه حق هر ذی‌حقی، ضمن تأمین امنیت روانی افراد، زمینه کینه و دشمنی را در جامعه رفع کرده و الفت ایجاد می‌کند و این عامل تهدیدکننده امنیت را به فرصت همکاری و همیاری بدل خواهد کرد. حدیثی از رسول اکرم ﷺ نقل شده که فرمود:

إِسْتَوُوا تَسْتَوِ قُلُوبُكُمْ وَ تَمَسُّوا تَرَاحِمُوا (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۱۱).

با یکدیگر برابر شوید تا دل‌هایتان برابر شود و با یکدیگر آمیزش کنید تا به هم رحم کنید. مراد این است که معتدل و هم‌سطح باشید و در میان شما ناهمواری‌ها و تبعیض‌ها وجود نداشته باشد تا دل‌های شما به هم نزدیک شود و در یک سطح قرار بگیرد؛ یعنی اگر در کارها و موهبت‌ها و نعمت‌های خدا بین شما شکاف و فاصله افتاد بین دل‌های شما هم قهراً فاصله می‌افتد، آن وقت دیگر نمی‌توانید همدل و هم‌فکر باشید و در یک صف قرار بگیرید (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۷۴۳).

حضرت علی علیه السلام در مورد تأثیر عدالت در پیوند و نزدیکی انسان‌ها می‌فرمایند:

الانصافُ يرفعُ الخلافَ و يوجبُ الائتلافَ (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۰).

عدالت مخالفت را از میان می‌برد و پیوند و الفت به بار می‌آورد.

حاصل آنکه برقراری عدالت اجتماعی سبب رفع تبعیض و اختلاف میان افراد می‌شود و پیوندی نزدیک میان افراد آن ایجاد می‌نماید؛ در نتیجه جامعه را به سوی امنیت و پیشرفت سوق داده، سبب دوام و استواری آن می‌شود.

۳. جایگاه معیار اخلاقی تولید در مدل

در این مدل معیار اخلاقی تولید را نیاز واقعی انسان و جامعه دانستیم که محدودیت‌هایی برای تولیدکننده مسلمان ایجاد می‌کند. اختلاف اساسی اسلام با مکاتب غربی که در مدل اخلاقی تولید آنها نیز نقش جدی دارد. در همین نکته نهفته است که آنان تولیدات خود را تابع تقاضا می‌دانند. تقاضای ناشی از نیازهایی که برآمده از مطلق میل و رغبت می‌باشد که در تعیین مصداق نیز نیاز واقعی و کاذب هردو را دربر می‌گیرد و این در حالی است که تولیدکننده مسلمان با توجه به محدودیت‌های ناشی از معیار اخلاقی خود، موظف است فقط به تقاضاهای برآمده از نیازهای واقعی جامعه توجه نماید و شاخص آن نیز عبارت است از سازگاری با هدف نهایی و اهداف میانی انسان.

رابطه معیار اخلاقی با اصل اخلاقی نظم

معیار اخلاقی مدل اخلاق تولید را رفع نیازهای واقعی معرفی کردیم؛ از سویی به گفته روان‌شناسان:

احتیاج به نظم و ترتیب، جزء احتیاجات اساسی روانی محسوب می‌گردد؛ رنگ و شکل و خاصی به زندگی می‌دهد؛ افراد میل دارند زندگی فردی و جمعی خود را تحت نظم و قاعده مشخصی درآورند (شریعت‌مداری، ۱۳۶۶، ص ۱۴۹).

از سوی دیگر خدای حکیم و توانایی که نظم را در دستگاه پهناور و عظیم خلقت از جمله خلقت انسان قرار داده است، همین نظم را در زندگی انسان‌ها و روابط اجتماعی آنان می‌پسندد؛ چراکه بدون آن موفقیت انسان در زندگی به‌طور عام و در فعالیت تولیدی به‌طور خاص غیرقابل دسترسی است؛ از این‌رو تدبیر و رعایت نظم را به عنوان اصل عملی و اخلاقی در تولید ضروری دانستیم.

۴. جایگاه اصول اخلاقی در مدل

در قسمت‌های پیشین مباحث ارتباط اصول اخلاقی با سایر عناصر مدل مطرح شد و از تکرار آن اجتناب می‌کنیم. در این مجال به طرح رابطه برخی اصول اخلاقی باهم بسنده می‌کنیم.

۴-۱. رابطه امانت‌داری و صداقت‌پیشگی

به‌رغم اینکه امانت‌داری قابلیت تبدیل به یک اصل مستقل اخلاقی را دارد، ولی در صفحات پیشین آن را جزو مصادیق صدق آوردیم علتش هم همین رابطه وثیقی است که بین آنها وجود دارد؛ به‌طوری‌که در برخی سخنان معصومان علیهم‌السلام امانت‌داری به نوعی از لوازم و مقدمات صدق و راستی شمرده شده است؛ برای مثال امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید:

الْأَمَانَةُ تُؤَدِّي إِلَى الصِّدْقِ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۰).

امانت شخص را به سوی راستی می‌کشاند.

همچنان‌که دروغ‌گفتن در حقیقت خیانت است، پس هرکس می‌خواهد که متخلق به راستی و صداقت شود لازم است امانت‌داری پیشه کند و متأسفانه «کمتر چیزی که در میان مردم رایج است، راستی و امانت است: أَقَلُّ شَيْءٍ الصِّدْقُ وَالْأَمَانَةُ» (همان)؛ در مقابل «بیشترین چیز در میان مردم دروغ و خیانت است: أَكْثَرُ شَيْءٍ الْكُذْبُ وَالْخِيَانَةُ» (همان، ص ۲۱۹) و آن حضرت، در سخنی دیگری راه علاج ناراستی‌های جامعه و رواج صدق و راستی را تقویت امانت‌داری معرفی کرده است. آنجا که می‌فرماید:

إِذَا قَوَّيْتَ الْأَمَانَةَ كَثُرَ الصِّدْقُ (همان، ص ۲۵۱).

آن‌گاه که امانت‌داری در جامعه تقویت شود، راستی و صداقت گسترش می‌یابد.

ارتباط این‌دو به قدری باهم وثیق است که آن حضرت امانت‌داری را صداقت عملی

معرفی می‌کند:

الْأَمَانَةُ وَالْوَفَاءُ صِدْقُ الْأَفْعَالِ وَالْكَذِبُ وَالْإِفْتِرَاءُ خِيَانَةُ الْأَقْوَالِ (همان).

امانت و وفاداری نشانه راستی در رفتار و دروغ و بهتان نشانه خیانت در گفتار است.

مراد این است که اولاً راستی چنان‌که در گفتار می‌باشد در رفتار نیز مطرح است و

راستی افعال نیز امانت و وفاداری است و همچنین خیانت چنان‌که در رفتار مطرح است در

گفتار نیز قابل تطبیق است و خیانت گفتار، دروغ و افتراء می‌باشد و «دروغ» چنان‌که در

جای خود آمده، خبری است که موافق واقع نباشد خواه مخبر آن بداند که موافق واقع نیست و خواه نداند و «افتراء» خصوص آن قسم است که مخبر بداند که مخالف واقع است و دانسته برخلاف واقع خیر بدهد.

۴-۲. رابطه امانت‌داری و وفای به عهد

امانت‌داری و وفای به عهد و قرارداد، دو مفهومی هستند که در دهها سخن از احادیث معصومان علیهم‌السلام و حتی عالمان اخلاق، در کنار هم به کار رفته و این نمایانگر رابطه نزدیک آنها باهم است؛ به طوری که در بیان امام علی علیه‌السلام این دو همزاد هم معرفی شده است:

الْوَفَاءُ تَوْأَمُ الْأَمَانَةِ وَ زَيْنُ الْأُخُوَّةِ (همان).

وفاداری همزاد امانت است و زینت و آرامش برادری است.

ملاحظه می‌کنید عبارت «توأم» بیانگر این است که گویا هردو به یکبار و از یک شکم متولد شده‌اند. در جای دیگر آن حضرت امانت‌داری و وفاداری نسبت به عهد و پیمان‌ها را اصل دین (همان، ص ۸۶) و بهترین همراه برای یکدیگر تلقی می‌کند (همان، ص ۲۵۲).

همچنین آن امام همام ضمن اشاره به همراهی امانت‌داری و وفاداری باهم، آنها را سبب رستگاری و فیروزی انسان معرفی می‌کند:

فَازَ مَنْ تَجَلَّبَبَ الْوَفَاءَ وَ ادَّرَعَ الْأَمَانَةَ (همان).

حضرت در این سخن نغز و بدیع، ظرایف زیادی را بیان فرموده است: اول اینکه وفاداری را به پیراهن تشبیه کرده است. این تشبیه می‌تواند چند دلیل داشته باشد؛ شاید یک دلیل این است که همچنان که پیراهن انسان در جمع مردم، همواره در تن انسان است و از آن جدا نمی‌شود، لذا مراد از «پیراهن کردن وفاداری» نیز این است که آن را همیشه ملازم خود داشته باشد و از خود جدا نکند. شاید دلیل دوم این باشد که همچنان که پیراهن حافظ آبروی انسان در جامعه است وفاداری نیز سبب حفظ آبروی انسان می‌شود و همچنین از آنجاکه پیراهن حافظ سلامت جسم انسان در مقابل سرما و گرماست، وفاداری نیز حافظ سلامت روح و روان انسان در برابر بیماری‌های روحی روانی می‌باشد؛ همچنان که وجه تشبیه در اینکه حضرت، امانت‌داری را به زره تشبیه کرده است، شاید همین باشد که همچون زره که انسان را در برابر شمشیرهای دشمن حفظ و حراست می‌کند، امانت‌داری نیز انسان را از گزند صدمات جسمی و روحی در جامعه حفظ می‌کند.

یک نکته در این تشبیه وجود دارد که به نوعی رابطه بین وفاداری و امانت‌داری را تبیین می‌کند و آن اینکه همچنان که زره ضمن حراست از سلامت بدن، سلامت خود پیراهن را نیز تأمین می‌کند، امانت‌داری نیز ضمن حفظ جسم و جان انسان، صفت وفاداری انسان را نیز تضمین می‌کند و لذا حضرت در سخنی دیگر می‌فرماید:

الْوَفَاءُ عُنْوَانُ وُفُورِ الدِّينِ وَ قُوَّةُ الْأَمَانَةِ (همان، ص ۲۵۱).

وفاداری به عهده‌ها و وعده‌ها علامت وفور و زیادی دین و قوت امانت است.

یعنی تا امانت‌داری هست، وفاداری نیز وجود دارد و اگر وفاداری نباشد معلوم می‌شود

که امانت‌داری وجود نداشته و لذا گفته شده:

أَفْضَلُ الْأَمَانَةِ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۰۲).

بهترین نوع امانت‌داری، وفای به عهد است.

جایگاه اصل رقابت و تعاون در خیرات در مدل

در نظام سرمایه‌داری اصل رقابت آزاد به مفهوم «تلاش برای پیروزی بر رقیب برای رسیدن به امتیازات اقتصادی محدود» و «جدال برای بقا در بازار» به‌رغم اینکه واجد کارکردهای مفید است، آثار سوء اجتماعی از قبیل ایجاد فقر، شکاف طبقاتی و تمرکز ثروت و قدرت در دست گروهی اندک که سلب آزادی سایر مردم و حتی دولت می‌شود را در پی دارد (برای توضیح بیشتر ر.ک به: میرمعزی، ۱۳۹۹، ص ۴۲۵).

برخلاف آن در نظام اقتصادی اسلام، دو اصل رفتاری رقابت و تعاون در خیرات، در قرآن کریم (ر.ک به: بقره: ۱۶۶ / مائده: ۴۸ و ۲) و روایات معصومان (برای نمونه ر.ک به:

۱. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید! هر جا باشید، خداوند همه شما را [برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز] حاضر می‌کند؛ زیرا او بر هر کاری تواناست».

– «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» پس در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت جوید! بازگشت همه شما، به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می‌کردید به شما خبر خواهد داد».

– «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» و [همواره] در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و [هرگز] در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید!

مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۲، ص ۱۷۳، ح ۳/ ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۲۸-۵۰ و ۶۶۲-۶۶۴ و ۷۰۰-۷۰۳) مورد توجه و تشویق واقع شده است (ر.ک به: میرمعزی، ۱۳۷۸، صص ۴۲۶-۴۲۹) که ضمن دفع آثار سوء اجتماعی و اقتصادی دارای آثار مفید فراوانی در رفتارهای اقتصادی مردم به ویژه در دو بخش خصوصی و بخش سوم است.

رابطه اصل رقابت و تعاون در خیرات با اصل عدالت ورزی

یکی از مصادیق تعاون و رقابت در خیرات در واقع اعطای حق اقشار ضعیف و محروم جامعه به آنهاست؛ حقی که آنها بر گردن توانگران دارند:

وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (ذاریات: ۱۹) وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلْسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ (معارج: ۲۴-۲۵).

و یکی از معانی عدالت اعطای حق به صاحبان آن است؛ لذا در فرایند رقابت و تعاون در خیرات در واقع نوعی اعطای حق به صاحب حق تحقق می یابد و معنای دیگر عدالت، اقامه مساوات میان امور است به اینکه هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۴۷۸)؛ طبق این معنا نیز تعاون و رقابت در خیرات در واقع رفتاری است که سبب نزدیکی به مساوات در بهره مندی از مواهب در جامعه می شود.

رابطه اصل رقابت و تعاون در خیرات با هدف نهایی مدل

هدف نهایی مدل اسلامی اخلاق تولید را سعادت انسان معرفی کردیم. از سوی دیگر امور خیر، اموری هستند که در راستای حرکت انسان و جامعه انسانی به سوی سعادتش لازم اند؛ به عبارت دیگر خیرات همان مصالح فرد و جامعه است؛ بر این اساس، رقابت و تعاون در خیرات در حقیقت رقابت و تعاون در انجام مصالح فردی و اجتماعی برای رسیدن به سعادت اند (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۹) که هدف نهایی مدل اسلامی تولید می باشد.

رابطه اصل رقابت و تعاون در خیرات با مبنای انسان شناختی

یک از مبانی انسان شناختی مدل اسلامی اخلاق تولید، مسئولیت پذیری اوست. همین امر ما را رهنمون می سازد به اینکه در اصول اخلاقی به رقابت و تعاون در خیرات برسیم که در آن برخلاف اصل رقابت در نظام سرمایه داری به مفهوم «تلاش برای پیروزی بر رقیب برای

رسیدن به امتیازات اقتصادی محدود» و «جدال برای بقا در بازار» حاکی از عدم هر گونه احساس مسئولیت نسبت به رقیب است. در مدل مورد نظر ما انسان در قبال تک تک افراد جامعه و نیز کل جامعه مسئول تلقی می شود؛ چراکه از دیدگاه اسلام امت اسلامی واحد است (انبیاء: ۹۲)؛ مؤمنان برادر یکدیگرند (حجرات: ۱۰) و در نیکی کردن و مهربانی و دلسوزی به یکدیگر همچون پیکری واحدند؛ پیکری که اگر عضوی از آن دردمند شود، باقی اعضا در بیداری و تب خواهند سوخت (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۱، ص ۲۳۴، ح ۳۰). از این دیدگاه، کسی که درهمی از مال خویش را از مؤمن پنهان کند یا کالایی از امور دنیا را از دسترس او دور دارد، مورد خشم خداوند قرار می گیرد (همان، ج ۷۲، ص ۱۷۳، ح ۳).

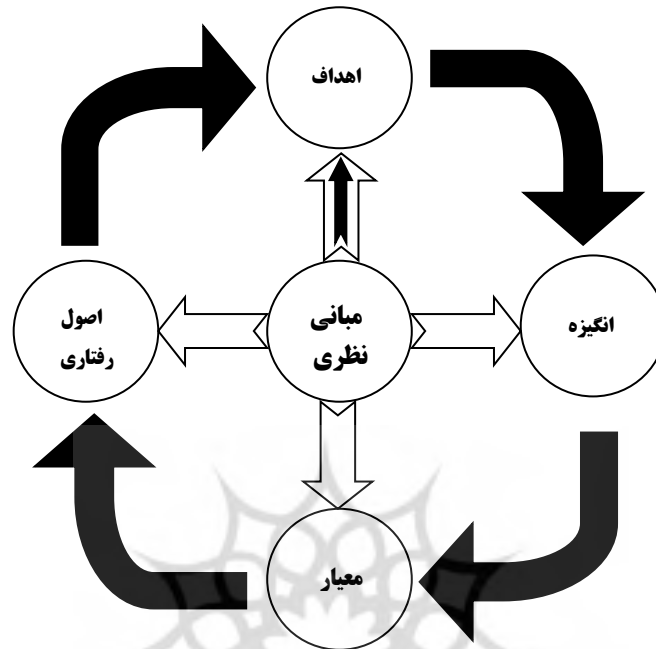
جمع بندی و نتیجه گیری

در این مقاله بر اساس تعریف مدل اسلامی اخلاق تولید به استخراج آن با توجه به پیش فرض های یادشده پرداخته شده است. مدل اسلامی اخلاق تولید را یک مدل تئوریک با کارکرد هنجاری دانستیم با این توضیح که دارای ساختاری است که به توضیح تئوری اسلامی اخلاق تولید می پردازد و روابط نظام مند عناصر نظری و عملی (مبادی نظری و اصول اخلاقی) در یک نظام اخلاقی تولید را در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب توضیح می دهد؛ بنابراین در این نوشتار سعی شده روابط مفهومی و ساختاری عناصر و مؤلفه های اصلی مدل اعم از مبانی، اهداف، معیار و اصول عملی را به صورت ماتریسی ترسیم کنیم و نشان دهیم که تمام آن عناصر در درون خود و هم با عناصر بیرونی شان سازگار و دارای روابط منطقی می باشد؛ به طوری که همه عناصر همدیگر و نیز وجود هر کدام از عناصر مبنایی تر، مؤلفه های بعدی خود را توجیه می کند.

در ضمن بر اساس مدل یادشده انسان اخلاقی می تواند ضمن بهره مندی کامل و بهینه از منابع طبیعی و موهبت های الهی در مسیر تولید نیازهای واقعی خود و جامعه، ضمن ارتقای روحی و معنوی و فراهم ساختن یک زندگی توحیدی که سرانجام نزد خدای ملیک مقتدر آرام گیرد، از لحاظ اجتماعی نیز دستیابی به جامعه پیشرفته را به ارمغان بیاورد.

می توان این روابط را به صورت نمودار زیر نشان داد.

نمودار ۱: ساختار کلی و فرایند مدل اسلامی اخلاق تولید



در این نمودار فلش‌های توخالی نمایانگر رابطه عرضی بین عناصر مدل و فلش‌های توپر نشان‌دهنده رابطه طولی بین آنها است.

منابع و مأخذ

* قرآن مجید.

۱. امام علی بن ابی طالب؛ نهج البلاغه (للصبحی صالح)؛ گردآوری محمد بن حسین شریف الرضی؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین؛ عوالی اللثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة؛ تحقیق و تصحیح مجتبی عراقی؛ قم: دار سیدالشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق.
۳. ایروانی، جواد؛ اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۰.
۴. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)؛ ج ۴، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ج ۱، ج ۲، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۶. —؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ تحقیق و تصحیح مصطفی درایتی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۷. توکلی، محمد جواد؛ «شناخت مبانی قرآنی و اصول حاکم بر تولید و مصرف»؛ رساله دکتری، دانشکده اصول الدین، ۱۳۹۴.
۸. جداری عالی، محمد؛ «خود دوستی و مقایسه آن با خود گرایی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی قبسات، س ۱۶، ش ۶۰، ۱۳۹۰.
۹. خوانساری، جلال الدین محمد؛ شرح غرر الحکم و درر الکلم؛ ج ۷، ج ۳، تصحیح میر جلال الدین حسینی اروموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۰. دوران، دانیل؛ نظریه سیستم‌ها؛ ترجمه دکتر محمد یمنی؛ ج ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۶.
۱۱. زنگی نژاد، آیت‌اله؛ «نگاهی نوین به نظریه تولید در چارچوب اقتصاد اسلامی، مطالعه کاربردی: مدل‌سازی تابع تولید بومی صنایع هوایی در ایران»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اقتصادی، ۱۳۹۴.
۱۲. شریعتمداری، علی؛ مقدمه روانشناسی؛ ج ۳، اصفهان: مشعل اصفهان، ۱۳۶۶.

۱۳. شیخ صدوق، محمدبن علی ابن بابویه؛ معانی الاخبار؛ تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری؛ قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ق.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۴ و ۱۲، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ قم: [بی نا]، ۱۳۸۹.
۱۶. مریدی، سیاوش و علیرضا نوروزی؛ فرهنگ اقتصادی؛ تهران: نگاه، ۱۳۷۳.
۱۷. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۳۶۲.
۱۸. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمة؛ ج ۴، التنقیح الثانی، قم: دارالحديث، ۱۳۷۵.
۱۹. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ ج ۱۳ و ۲۳، تهران: صدرا، ۱۳۷۴.
۲۰. معیدفر، سعید؛ بررسی اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن؛ تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۰.
۲۱. موسایی، میثم؛ «اصول کلی حاکم بر تولید از دیدگاه امام علی (ع)»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۶، ۱۳۸۳.
۲۲. میرمعزی، سیدحسین؛ نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه‌ها)؛ تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
۲۳. نورایی، محسن و جواد ایروانی؛ «عناصر اخلاق اقتصادی اسلامی و تولید ملی»؛ مازندران: همایش ملی نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۱.
24. Edward N., Zalta (ed.); "Models in Science"; The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Spring 2004 Edition), (<http://plato.stanford.edu/archives/spr2004/entries/physics-interrelate/>).